

دفاع کراچکی از حقانیت اسلام (با تکیه بر داده‌های تاریخی کتاب کنزالفوائد)

محمد محدثی، کارشناس ارشد تاریخ تشیع، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

mohadesi.m1363@gmail.com

لیلا نجفیان رضوی*، استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

najafian@um.ac.ir

چکیده

تنوع ترکیب عقیدتی ساکنان مصر و شام و تساهل مذهبی فاطمیان در قرن چهارم و پنجم هجری، مسلمانان را با چالش‌ها و شبهات جدیدی مواجه کرد. این امر توجه خاص اندیشمندان مسلمان را به حفظ انسجام و تثبیت عقیده معتقدان به دین اسلام در این مناطق به دنبال داشت. پویایی ابوالفتح کراچکی (م. ۴۴۹ق) و توجه پنهان و آشکار او در نگارش آثارش به دفاع از حقانیت دین اسلام، با این مقدمه فهم‌پذیر است؛ از این رو، با در نظر داشتن روش متکلمان آن دوره یعنی استفاده از تاریخ-در کنار حدیث و استدلال عقلی- برای اثبات عقاید، پرسش اصلی پژوهش حاضر، نحوه بهره‌گیری کراچکی از گزارش‌های تاریخی برای دفاع از اسلام است. نتیجه این پژوهش که با رویکرد معناکوی و بهره‌گیری از مفهوم «انگاره» انجام شده است، نشان می‌دهد روش کراچکی در دفاع از حقانیت اسلام، پیوند زدن وقایع تاریخی مشهور با جنبه‌های اعجازی کتاب خدا (خبر از آینده) و زندگی پیامبر(ص) بوده است؛ امری که امکان وقوع معجزات را پذیرفتنی‌تر کرده و نفی انگاره‌های ایجادشده توسط مسیحیان در منطقه و ایجاد دو انگاره «ما هم مانند آنها هستیم» (با برجسته‌سازی اشتراک معجزات پیامبران) و «ما بهتر از آنها هستیم» (پیوند معجزات و پیشگویی‌ها با تاریخ به وقوع پیوسته) را به دنبال داشته است. در این روش، پذیرش این معجزات یا انگاره‌ها، با پذیرش حقانیت پیامبر خدا(ص) و قرآن همراه بوده و در نهایت تثبیت عقیده حقانیت دین اسلام را سبب می‌شده است.

واژه‌های کلیدی: ابوالفتح کراچکی، دفاع از اسلام، آیات تاریخی، گزارش‌های تاریخی، معجزه، انگاره.



مقدمه

ظهور و فعالیت برخی اندیشمندان امامی در مناطقی که مسلمانان در تعامل با اصحاب دیگر ادیان بودند، این وظیفه را برای آنان ایجاد می‌کرد که علاوه بر حفظ انسجام و اعتقاد شیعیان امامی، حراست از کیان اسلام را نیز مدنظر قرار دهند. حوزه مصر و شام به واسطه پیشینه تاریخی، موقعیت جغرافیایی و تساهل مذهبی فاطمیان از آن جمله بود. صرف‌نظر از مناظره‌ها - که امری شفاهی بود - علمای امامی مستقر در این مناطق، این مهم را در مکتوبات خود نیز دنبال می‌کردند؛ از این رو به نظر می‌رسد بررسی آثار اندیشمندانی همانند ابوالفتح کراچکی (م. ۴۴۹) - که در آن مقطع زمانی، در شام و مصر فعالیت داشته است - از این منظر درخور توجه باشد. فردی که علاوه بر تاریخ، حدیث و کلام، در بسیاری از علوم دیگر همانند نجوم نیز متبحر بوده و آثاری را به رشته تحریر درآورده است.

با این مقدمه، اگر روش متکلمان آن دوره، یعنی استفاده از داده‌های تاریخی - در کنار حدیث و استدلال عقلانی - برای اثبات عقاید را مدنظر قرار دهیم، با محوریت تألیفات به جا مانده از کراچکی - خاصه *کنزالفوائد* - می‌توان نحوه بهره‌گیری او از داده‌های تاریخی برای دفاع از اسلام، را به‌عنوان مسئله‌ای درخور تأمل مطرح کرد. معطوف‌بودن اندیشه کراچکی به این مهم، با دقت در آثار او و وجود ردیه‌ای با عنوان *رساله الدامغه للنصاری* در فهرست تألیفاتش آشکار می‌شود (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/۱۲۹). بر این اساس در پژوهش حاضر، کوشش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که کراچکی چگونه در نگارش آثار خود از داده‌های تاریخی برای دفاع از حقانیت اسلام بهره برده است؟

برای پژوهش حاضر پیشینه‌ای وجود ندارد. به این

معنا که اندک آثاری که درباره کراچکی منتشر شده‌اند، از پرداختن به معرفی او به‌صورت کلی و در قالب اثری مستقل (المهاجر، بی‌تا)، مقدمه تألیفاتش (مقدمه النعمه بر کنزالفوائد، ۱۴۰۵؛ مقدمه کمره‌ای بر کنزالفوائد، بی‌تا؛ مقدمه قمی بر معدن الجواهر، ۱۳۸۸ش)، بررسی آرای کلامی کلی و جزئی او (زارع‌پور، ۱۳۹۲؛ توکلی بینا، ۱۳۹۶) و یا استنادش در مکتب عراق (محدثی و دیگران، ۱۳۹۹) فراتر نرفته‌اند. امری که اهمیت پرداختن به این تحقیق را دو چندان می‌کند.

برای انجام این پژوهش از رویکرد معناکاوی^۱ استفاده شده است (نک. به: ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۶). رویکردی که تولید هر متن را محصول تأثیر زیست‌جهان مؤلف، یعنی نحوه زندگی و پیش‌فرض‌های ذهنی او (همان: ۱۹۳، ۱۹۶) و بافت^۲ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند که بر مؤلف محیط است (همان: ۱۹۷، ۱۸۹، ۲۱۶)؛ بنابراین چگونگی و چرایی نگارش به شیوه‌ای خاص همانند برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی و یا حذف و گزینش داده‌ها، در ارتباط میان متن، مؤلف و زیست‌جهان سیاسی-اندیشه‌ای او معنا می‌شود؛ از این رو در پژوهش حاضر، ابتدا اطلاعات موجود درباره زندگی و زمانه کراچکی مرور شده است، سپس ضمن دسته‌بندی گزارش‌های تاریخی استخراج‌شده از کتب چاپی او، تأثیر بافت و پیش‌فرض‌ها و دغدغه‌های کراچکی در چگونگی بهره‌گیری او از داده‌های تاریخی برای دفاع از حقانیت اسلام، تحلیل شده است.

شایان ذکر است مفهوم «انگاره»^۳ را - که در ادامه و برای تحلیل بهتر در این پژوهش معناکاوانه از آن استفاده

1. The quest of meaning.
2. context
3. Schemata

عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۵ / ۳۰۰) و «الکراچکی» (قمی، ۱۴۲۹: ۳ / ۱۰۹؛ ممقانی، بی‌تا: ۲۲ / ۲۳۲؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۲ / ۱۷۹) ثبت شده است. وجود ترکیبات متفاوت مانند «الکراچکی الخیمی» (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۵ / ۲۱۴) و «الکراچکی الکرخی» (یافعی، ۱۴۱۷ق: ۳ / ۵۴) در ادامه نامش و توضیحات مؤلفین در این خصوص، از اختلاف نظر درباره چرایی انتساب او به این عنوان حکایت دارد؛ به طوری که برخی او را برخاسته از روستایی در مصر (طریحی، ۱۳۶۲ش: ۲ / ۳۹۹؛ صدر، ۱۳۷۵ش: ۳۸۷) یا طرابلس دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۵ / ۷۶). این در حالی است که برخی دیگر شهرت کراچکی را به این نام نه به علت مکان تولد، بلکه نشئت گرفته از انتساب خاندان او به شغل خیمه‌دوزی بیان کرده‌اند (امین، ۱۴۰۳ق: ۹ / ۴۰۰؛ کحاله، بی‌تا: ۱۱ / ۲۷). با این حال به نظر می‌رسد که استنادات موجود در پژوهشی جدید درباره برخاستن این عالم امامی از میافارقین و انتساب او به «کراچکی» به واسطه اشتغال خاندانش به خیمه‌دوزی، پذیرفتنی‌تر است (محدثی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۶-۱۳۷).

کراچکی از محضر برخی عالمان برجسته شیعه همچون شیخ مفید سود برده (محدثی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۰) و به واسطه تعلقش به مکتب متکلمان^۱، در پاسخگویی به پرسش‌های غامض فقهی گاه با سید مرتضی مکاتبه داشته است، برخی از آثار او را تلخیص کرده و یا از آرائش دفاع کرده است.^۲ کراچکی اندیشمندی پرتألیف بوده است که در ادامه

۱. در قرن پنجم هجری دو مکتب مقتدر کلامی - فقهی در بغداد ایجاد شد. مکتب متکلمان شیعه به پیشوایی سید مرتضی و مکتب شیخ طوسی، که بر محافل اجتهادی امامیه پس از قرن پنجم نیز مسلط بودند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

۲. فهرست استادان او در مقدمه نعمه برکنزالفوائد آمده است (۱۴۰۵ق: ۱۶۷-۱۸)

شده است - می‌توان به مثابه یک سازه تعریف کرد که مضمون آن مجموعه‌ای از تصاویری است که از جنبه‌های گوناگون واقعیت، در ذهن فرد شکل می‌گیرد (مولانا، ۱۳۷۵ش: ۱۰-۱۷)؛ این امر می‌تواند صورت نزدیک به واقع داشته و یا تصاویر القائی یا توهمی باشد. انگاره‌های ذهنی در شکل‌گیری مفاهیمی همانند «خود» و «دیگری» نقش مهمی دارند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۱). آنها در ادراک ذهنیت ما به سه شکل هستند: ۱- آنها هم مثل ما هستند؛ ۲- با ما فرق دارند؛ ۳- از ما بدتر هستند؛ بنابراین، در اغلب شرایط، هر گروه‌بندی براساس «ما»، بهتر از هر گروه‌بندی براساس «آنها» است (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳: ۶۵). باید دانست انگاره‌های القائی مربوط به اشخاص، فهمی است که درباره روان‌شناسی فردی خاص ایجاد شده است و بر صفات و اهداف او تأکید دارد (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

زندگی و حیات علمی کراچکی

ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی (م. ۴۴۹ق) از فقها و متکلمان برجسته امامی است که در منابع اهل سنت، گاه او را «الرافضی» خوانده‌اند (ذهبی، ۱۴۲۷ق: ۱۳ / ۳۱۰، ۳۴۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۵ / ۳۰۰). در منابع متقدم شیعی نیز نام او با القاب و عناوینی همانند «شیخ‌العالم»، «الثقه»، «فقیه‌الاصحاب» (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱۰۰) و «القاضی» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۳۳ق: ۲۵۶) آورده شده است. تاریخ تولد کراچکی نامشخص است. نعمه با توجه به کتاب کنزالفوائد - که مشهورترین اثر اوست - و استناد به اولین حدیثی که در سال ۳۹۹ هجری در میافارقین روایت کرده است (کراچکی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۳۳)، تولد او را سال ۳۷۴ هجری دانسته است (همان، مقدمه: ۱ / ۱۳).

در منابع نام او به صورت «الکراچکی» (ابن حجر

و به فراخور بحث، به بعضی از آثار او اشاره می‌شود. از تفاوت‌های مهم او با دیگر علمای هم‌دوره‌اش، نه تنها کثرت سفرها، سکونت‌نداشتن در مکانی ثابت نیز بوده است. اگرچه مجلسی به سکونت او در رمله تصریح دارد (۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۱۹۹)، مستندی بر این امر، وجود ندارد. تنها با توجه به یادکرد او از زمان و مکان استماع برخی روایات و یا محل نگارش بعضی از آثارش، می‌توان به حوزه فعالیت و محل‌های اقامت او پی برد. اگر از مکان اولین روایت او یعنی میافارقین و اشارات موجود به اقامت هفت ساله او در بغداد (۴۰۱-۴۰۷ق) - که روایتی نقل نکرده است - بگذریم (نک. به: محدثی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۸-۱۳۹)، اولین خبر از استماع حدیث کراچکی به سال ۴۰۷ هجری در مصر بازمی‌گردد (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۴/۲۱). پس از آن می‌توان به ترتیب، به موارد زیر اشاره کرد: استماع چندین حدیث در رمله (۱۴۱۰ق) (همان: ۱۴۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۲/۱۷۷؛ مقدمه نعمه بر کنزالفوائد، ۱۴۰۵ق: ۱۶۱-۱۸)، نگارش کتاب مختصر دعائم الاسلام در مصر (۱۴۱۱ق) (مقدمه مقدس بر التفضیل، ۱۳۸۳ش: ۲۲)، استماع حدیث در رمله (۱۴۱۱) (مقدمه نعمه، ۱۴۰۵ق: ۱۶۱-۱۸) و مکه (۱۴۱۲ق) (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۰/۲۱)، نگارش کتاب الاصول فی مذهب آل الرسول در صورت (۱۴۱۸ق) (همان: ۱۳۳/۲۱)، استماع حدیث در بلبلیس^۱ (۱۴۱۸ق) (کراچکی، بی‌تا: ۳۵۱/۱) و مصر (۴۲۶ق)، نگارش رساله ناصریه در دمشق (در فاصله سال‌های ۴۳۳-۴۳۶ق)^۲ (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۷/۲۱-۱۳۵)، استماع حدیث در طرابلس (۴۳۶ق) و نگارش

چندین کتاب در طول اقامتش در این شهر^۳ به درخواست بزرگان بنی عمار همانند نهج‌البیان، عده البصیر فی حج یوم الغدیر، التلقین لاولاد المؤمنین و نگارش کتاب الايضاح عن احکام النکاح در صیداء (۱۴۴۱ق) (همان‌جا). این جدای از روایاتی است که در شهرهایی همانند قاهره، رمله، حلب و صیدا شنیده است و تاریخ آنها مشخص نیست (همان: ۱۳۸/۲۱-۱۴۵؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۱۷۷/۲؛ مقدمه نعمه، ۱۴۰۵ق: ۱۶۱-۱۸). به زمان تألیف برخی از آثارش در شهرهای طبریه، قاهره، رمله و صور نیز اشاره‌ای نکرده است و همچنین معلوم نیست که نگارش آثار متعدّدش برای امیر عسقلان یعنی صارم‌الدوله در کدام شهر بوده است (نک. به: محدث نوری، همان: ۲۱/۱۲۷-۱۳۵). با این حال با آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که حوزه فعالیت او شرق مدیترانه و مصر بوده است. شهرهایی که احتمالاً همگی در قلمرو خلافت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) بوده‌اند.^۴

تنوع فراوان آثار کراچکی از تبحر او در علوم مختلف حکایت دارد؛ زیرا حیطة فعالیت او تنها به حوزه علوم انسانی و نگارش در زمینه تاریخ، کلام، حدیث، انساب، لغت، اخلاق و فقه محدود نبوده است. او آثاری در زمینه نجوم، ریاضی و حتی سنگ‌ها نیز داشته است؛ امری که با آگاهی از آن می‌توان جایگاه او را تا مرتبه یک علامه بالا برد. احاطه او به آموزه‌های غیراسلامی، غیر شیعی و استفاده از آنها در راستای دفاع از اسلام نیز گویای تبحر او در شناخت دیگر ادیان و مذاهب است. برای

۳. احتمالاً اقامت او در این شهر طولانی بوده است؛ زیرا در فهرست شاگردانش چند نفر با نام طرابلسی نیز هستند (نک. به: کراچکی، ۱۴۰۵ق: ۱۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/۳۵؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۲۳/۲۵۱).

۴. مشخص نیست که او در زمان حکومت بنی‌مرداس (حک. ۴۱۴-۴۷۳) و یا پیش از آن در حلب بوده است.

۱. یک آبادی در شمال شرقی قاهره (مونس، ۱۳۹۰: ۳۸۲).
۲. این کتاب را برای ناصرالدوله نگاشته و او در سال ۴۳۳ق از سوی فاطمیان به حکومت دمشق رسیده است (ابن قلانسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۹/۱).

۲۳۵). ویلیام صوری نیز با بیانی کلی‌تر، تداوم این امر را تا اواخر قرن چهارم و دوران خلافت حاکم بامرالله (حک. ۳۸۶-۴۱۱) تأیید کرده است (صوری، ۱۹۹۱: ۱/۱۴۷). با این حال لازم است جامعه مسیحیت فارغ از اختلافات عقیدتی میان کلیسای روم و بیزانس و به‌عنوان یک کل منسجم در این دوره دیده شود؛ زیرا باور به ماهیت خداگونه حضرت عیسی (ع)، وجه اشتراک تمام مسیحیان بود و پذیرش ظهور پیامبر و دینی جدید، که تثلیث را نفی می‌کرد، دنیای مسیحیت را با چالش روبه‌رو می‌کرد. چون این پذیرش به آن معنا بود که تجسد زمینی خداوند بشر را نجات نداده و این ناکامی سبب شده است که خداوند پیامبری را از جنس انبای بشر برای هدایت انسان‌ها برگزیند (سیروسی، ولوی، ۱۳۹۹: ۱۴۳). نظر به اینکه این امر، ناکارآمدی مسیحیت و تعالیم کلیسا را عیان می‌کرد، دست‌اندرکاران این دین را به دفاع از حقانیت مسیحیت وا می‌داشت. امری که انگاره‌سازی نسبت به حضرت محمد (ص) را در دو ساحت فردی و اجتماعی سبب می‌شد. دوقطبی‌سازی افکار مخاطبان مسیحی و نفی حقانیت دین اسلام از نتایج پنهان این تألیفات بود که تداوم قدرت کلیسا و گردانندگان آن را به‌دنبال داشت.

پژوهشی که مبتنی بر بیست و هشت منبع لاتین قرون وسطی در فاصله قرون هشتم تا چهاردهم میلادی انجام شده است، نشان می‌دهد که در این منابع کوشش شده است تا با برجسته‌کردن چهار فاکتور فردی توهم، ابتلا به صرع، خودشیفتگی و شهوت‌طلبی حضرت محمد (ص)، نبوت ایشان زیر سؤال برده شود (همو، ۱۳۹۷). همین پژوهش از نظر اجتماعی حاکی از آن است که این هدف در منابع لاتین، در بازه اخیر با تأکید بر پنج فاکتور انجام شده و نسبت ساخت قانون به رسول خدا، انکار و حیانی‌بودن قرآن و نبوت پیامبر (ص) را در خود

نمونه در اثری مانند *الابانه*، مناظره‌ای خیالی میان سه فرد یهودی، معتزلی و شیعه امامی با این هدف تصویرسازی شده است که سؤالات مختلف فرد یهودی توسط شیعه‌ای امامی پاسخ داده شود.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که *کنز الفوائد* - که این پژوهش با تکیه بر آن انجام شده است - مهم‌ترین اثر کراچکی است؛ به طوری که او با کتاب *کنز و گاه* با عنوان صاحب‌کنز شناخته می‌شود. این کتاب مشتمل بر شش رساله با عنوان *رساله کنز الفوائد، البیان، وجوب الائمه، اصول فقه، البرهان و التعجب* است که عنوان اولین رساله یعنی *کنز الفوائد* بر نام این مجموعه گذارده شده است. در این اثر مباحث مختلفی از علوم گوناگون همانند فقه، کلام، اخلاق، نجوم، حدیث، تفسیر، تاریخ و... به چشم می‌خورد (محدثی، ۱۳۹۹: ۱۶).

وفات کراچکی در بسیاری از منابع، دوم ربیع الثانی سال ۴۴۹ق در شهر صور ثبت شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲/۲۹۴؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۵/۲۱۴؛ یافعی، ۱۴۱۷ق: ۳/۵۲-۵۴).

زمانه کراچکی

هنگامی که از زمانه یک اندیشمند مسلمان در شامات سخن به میان می‌آید، باید جایگاه او را در بافتی بزرگ‌تر یعنی تعامل و تقابل دنیای مسیحیت با مسلمانان بررسی کرد. تقابل مسیحیان با اسلام و مسلمانان، ابتدا در ساحت سیاسی و سپس فکری بود؛ اما به تدریج مسیحیان در هر دو ساحت یعنی برای حفظ قلمرو و نیز عقیده دست به قلم بردند.

برخی محققان بر این امر تأکید دارند که تصرف سوریه در زمان فتوح، با استقبال و همکاری مسیحیان یعقوبی همراه بود؛ چون رهایی آنها از فشارهای امپراطوری بیزانس را به‌دنبال داشت (عطیه، ۲۰۰۵:

در مورد دوم، براساس آموزه‌های مسیحیان در بیت‌المقدس، آخرین امیر مسیحی، نقش نیابتی خود را به صاحب‌الزمان تسلیم می‌کرد؛ بنابراین در سال ۱۰۳۳م که با هزارمین سالگرد مرگ مسیح مصادف بود، انتظارات آخرالزمانی و مکاشفات رستاخیزی افزایش یافت؛ در حالی که مسیحیان در بازسازی کلیسای مقبره می‌کوشیدند، زائران به‌سوی فلسطین روانه شدند تا پایان دنیا را در اورشلیم تجربه کنند (کاردینی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

در عرصه سیاست نیز کوشش بدون توقف امپراطوران روم برای بازپس‌گیری متصرفاتشان در شام، از زمان ضمیمه‌شدن آنان به خلافت فاطمی در دوره معزالدین الله (حک. ۳۴۱-۳۶۵) ادامه داشت. تبادل این مناطق میان خلفای فاطمی و امپراطوران روم شرقی تا دوره خلافت حاکم بامر الله (۳۸۶-۴۱۱) در سال ۳۸۸ هجری ادامه داشت (نک. به: دادفر و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۷-۸۲؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶ش: ۱/ ۴۶۲). تحركات رومیان در این دوره با انتشار متونی برای جمعیت مسیحی بومی سوریه و فلسطین، با هدف یادآوری غلبه سیاسی بیزانس بر منطقه همراه بود (ده جستار، ۱۳۹۳: ۲۲).

با این حال نه صلح ناپایدار حاکم و باسیلیوس دوم (۹۷۶-۱۰۲۵م.) (مقریزی، ۱۴۱۶: ۳۹/۲-۴۰)، بلکه دستور حاکم بالله برای تخریب کلیسای قیامت در سال ۳۹۸ق/ ۱۰۰۹م، امری بود که به‌سبب جایگاه این کلیسا و جهت‌گیری‌های عقیدتی مسیحیان در آن دوره برجسته شد. یحیی بن سعید مسیحی انطاکیه‌ای (قرن ۱۱م) از تداوم سخت‌گیری‌های حاکم به اهل کتاب در اجرای مناسک دینی، تخریب کلیساها در قاهره و دیگر شهرها در سال‌های بعد خبر می‌دهد که کوچ دسته‌جمعی مسیحیان مصر و فلسطین را به‌دنبال داشت (همان: ۲۸). امری که بنا به گزارش‌های ویلیام

مستتر داشته است. اثرپذیری از یهود و نصارا، آموزش دیدن پیامبر خدا از اصحاب دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیان (بحیرا/ سرجیوس) را به مخاطب القا می‌کرد. فریبکاری نیز بر نفی معجزات آن حضرت و نزول وحی بر ایشان تمرکز داشت. دزدی، پرخاشگری و درنهایت غارتگری، بر گسترش اسلام با شمشیر و بهره‌گیری از وعده‌های بهشتی قرآن دلالت داشت. اگر مورد اخیر در پیوند با ساخت قانون بررسی شود، می‌توان در تأکید بر این ویژگی اجتماعی نیز القای برساخته‌بودن قرآن را فهمید. نکته درخور توجه در نتایج این پژوهش، تعلق بیشترین فراوانی به انگاره فریبکاری و وابستگی همه مؤلفان به ساختار قدرت دینی بود (همو، ۱۳۹۹: ۱۶۷، ۱۶۹). ضمن آنکه هیچ‌یک از متون بررسی‌شده در فاصله قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم هجری به حوزه شامات و حتی امپراطوری روم شرقی تعلق نداشت.

دو امر دیگر در ساحت عقیده بر این موضوع‌گیری‌ها اثر می‌گذارد: تغییر جایگاه بیت‌المقدس در کلیسای روم از قرن نهم میلادی و پیوند خوردن اندیشه‌های آخرالزمانی مسیحیان با بیت‌المقدس. در مورد اول این امر با توسعه سنت‌های مراسم عید پاک، در کلیساهایی انجام می‌شد که شبیه کلیسای قیامت در بیت‌المقدس ساخته شده بودند (ده جستار، ۱۳۹۳: ۴۵). علاوه بر آن، برای ایجاد یک بیت‌المقدس نصرانی که با توبه و دادن کفاره ارتباطی تنگاتنگ داشت، کوشش می‌شد. ظهور زوار در قالب معصیت‌کنندگانی توبه‌کار، از نتایج این امر بود. در این شرایط، کمک به حفظ جاده‌های زیارتی بیت‌المقدس و امنیت زائران ضروری بود (کاردینی، ۱۳۹۳: ۱۵۵-۱۵۶). تأکید بر اهمیت توبه و طلب مغفرت در سده پنجم (دوره حیات کراچکی) نیز تداوم یافت (لاپیدوس، ۱۳۷۶ش: ۴۶۳).

صوری (ق ۱۲م) تداوم می‌یابد (همان: ۲۹). از طرف دیگر در اثر یحیی بن سعید به مانند زندگی‌نامه لزاروس، علاوه بر جزئیات تخریب کلیسای قیامت، تهدید زندگی رهبانی در ضمن شرح اعمال فشار حاکم بامر الله به اهل کتاب نیز برجسته شد (همان: ۳۲)؛ به طوری که می‌توان گفت تهدید رهبانیت در مدیترانه شرقی به عنوان عنصری مهم در نوشته‌های سنتی ضد اسلامی در قرون یازده و دوازدهم میلادی ظاهر شد (همان: ۲۰)؛ از این رو است که از این دوره - میانه قرن نهم تا پایان قرن دهم میلادی - شصت کتاب به دست ما رسیده است که به زبان عربی و توسط مسیحیان فلسطین نگاشته شده است و مشخصه اصلی آنها تأکید بر اهمیت رهبانیت است؛ همچنین ضمن توجه به معجزات رخ داده در کلیسای قیامت (همان: ۲۳-۲۵)، بر لزوم برگزاری مراسم و حضور زائران در آنها برای پرداخت مالیات‌هایی که حاکم مطالبه می‌کرده است نیز، تأکید شده است. به این ترتیب مرور منابع قرن دهم عربی و یونانی از کوشش برای ایجاد یک هویت بومی فلسطینی مسیحی حکایت دارند (همان: ۳۶).

با آنچه گفته شد، اگر عقاید بسط‌یافته در غرب مسیحی، در متون نگاشته‌شده توسط مسیحیان شام پیگیری شده باشد تا هویتی مستقل برای مسیحیان شام ایجاد کند، دور از ذهن نیست که انگاره‌سازی با هدف نفی نبوت پیامبر خدا و حقانیت دین اسلام نیز علاوه بر غرب، در میان مسیحیان شام نیز تداوم یافته باشد؛ با این تفاوت که به دلیل اهمیت کلیسای قیامت در منظومه عقیدتی مسیحیان آن دوره و تخریب آن توسط حاکم، نگارش آثاری در این زمینه در اولویت بوده باشد. این حلقه مفقودی است که مطالعه آثار کراچکی ما را به سوی آن رهنمون می‌کند؛ زیرا انگاره‌سازی درباره پیامبر (ص) نیز با یوحنا دمشقی

(۶۴۵-۷۵۰م) در شرق مسیحی شروع شده و با تئوفانس (۷۵۲-۸۱۸م) تداوم یافته است و سپس با فاصله در قرون بعدی توسط ویلیام تایر (۱۱۳۰-۱۱۸۷م)، صدراعظم اورشلیم و ویلیام طرابلسی (۱۲۲۰-۱۲۷۳م)، که دومینیکنی ساکن صور بوده است، دنبال شده است (سیروسی و ولوی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۵؛ همو، ۱۳۹۹: ۱۶۴-۱۶۵).

این مدعا به این دلیل مطرح می‌شود که عموماً اندیشمندان در پاسخ به نیاز جامعه هدف خود (سؤالات/ شبهات)، رفع یک بحران و یا دغدغه رشد یک شبهه، به نگارش می‌پردازند؛ از این رو با توجه به مطالب گزینش و نقل شده در متون آنان، می‌توان به صورت غیرمستقیم، به وجوهی مسکوت از فضای زمانه و آن چیزی پی برد که انگیزه نگارش آنها را شکل داده است. اختصاص رساله‌ای مستقل توسط کراچکی به رد مسیحیان (رساله الدامغه للنصارى) و دفاع او از حقانیت اسلام و نبوت پیامبر (ص) با استفاده از گزارش‌های تاریخی و مددگیری از آیات تاریخی قرآن در برخی آثارش، حضور یک جریان حداقلی را در میان اهل کتاب - هم‌زمان با حضور کراچکی در شام - اثبات می‌کند که در آن به تداوم دفاع از مسیحیت و نفی حقانیت اسلام توجه داشته‌اند. امری که کراچکی در تألیف آثار مختلف خود برای مخاطبان مسلمانان، به ممانعت از رشد آن در اجتماع مسلمانان شام و ایجاد تزلزل اعتقادی در آنها، با توجه به انگاره‌سازی مسیحیان عنایت داشته است.

روش کراچکی در اثبات حقانیت دین اسلام

با تأملی دقیق در فهرست تألیفات نقل شده برای کراچکی و محتوای آثار به جا مانده از او، می‌توان دریافت که دفاع از حقانیت دین اسلام، یکی از دغدغه‌های این عالم امامی بوده است. کراچکی این

مهم را به دو شیوه انجام داده است: در روش اول همانند دیگر متکلمان، استفاده از استدلال‌ات عقلی برای اثبات برتری دین اسلام بر دیگر ادیان را مدنظر قرار داده است که از دایره بحث این پژوهش خارج است.^۱ در روش دوم، با احاطه‌ای که بر تاریخ و دیگر علوم داشته است، از حقانیت دین اسلام دفاع کرده و به این ترتیب، از گزارش‌های تاریخی و نیز آیات تاریخی قرآن درباره ابعاد مختلف زندگانی حضرت محمد(ص) بهره گرفته است. در شیوه اخیر، اثبات حقانیت قرآن و نبوت حضرت محمد(ص) محور کانونی مؤثر در گزینش و نقل آیات و گزارش‌های تاریخی بوده است؛ امری که به واسطه آن می‌توانست بر حفظ عقیده و انسجام مسلمانان در منطقه شام و مصر یاری برساند و آرا و شبهات مختلف طرح‌شده توسط مسیحیان (انگاره‌سازی‌ها) را کمرنگ و بی‌اثر کند؛ زیرا اثبات حقانیت هر یک از این دو، با پذیرش حقانیت دیگری همراه بوده است. اینکه او با توجه به تفکرات رایج در منطقه و با هدف تأمین نیاز معاصران خود چگونه از این دو استفاده کرده است تا بیشترین تأثیر را بر مخاطبان مسلمان خود داشته باشد، در ادامه آورده شده است.

۱- دفاع از حقانیت قرآن

کراجکی برای حفظ اعتقادات مسلمانانی که در تعامل دائمی با مسیحیان بوده و از سوی آنها به چالش کشیده می‌شده‌اند، به قرآن تمسک جسته است؛ زیرا بهترین راه برای تحکیم عقیده مسلمانان،

تأکید بر اعجاز و وحیانی بودن این کتاب است؛ امری که در پس آن، باور به ارتباط محمد بن عبدالله با عالم غیب، پیامبری او و راستین بودن عقیده مسلمانان است و در نخستین گام، انگاره‌های فریبکاری و اثرپذیری ایشان از یهود و نصارا را به حاشیه می‌راند. با این هدف، کراجکی عنوانی مستقل یعنی «شرحی از معجزه بودن قرآن مجید» (کراجکی، بی‌تا: ۱/ ۲۰۴) را در کتاب *کنزالفوائد* به این موضوع اختصاص داده است. او در ذیل این عنوان به گزینش هوشمندانه آیات تاریخی، که متناسب با فضا و زمانه بوده است، دست زده و برای نیل به مقصود خود، از دو دسته از آیات تاریخی بهره برده است:

دسته اول آیاتی که با تاریخ اهل کتاب پیوند دارند. کراجکی در اشاره به این آیات به صورت گذرا، واقعه تاریخی مرتبط با آن را بررسی می‌کند. به این ترتیب او اعجاز قرآن را با پیوندش به عنصر زمان و وقوع امری تاریخی برجسته و تثبیت این باور را در ذهن مخاطبان مسلمانان سهل تر می‌کند؛ برای نمونه او یکی از استدلال‌ات خود را این‌گونه آغاز می‌کند:

«اعجاز دیگر قرآن مجید این است که در بر دارنده اخبار روزگاران گذشته، گزارش‌های امت‌های دیرین، شرح خانمان‌های ویران‌شده، داستان‌های پیغمبران پیشین و بیان احکام اهل کتاب، از آن چیزها[است که] نتوان بیانش کرد؛ مگر کسی که خود از آنان باشد و تنها کارش کسب اطلاع از کتب آنها باشد و برای دیدار آنها مسافرت‌ها کرده و با پیشوایانشان هم‌نشین شده باشد. با اینکه زادگاه پیغمبر(ص) معلوم است، خانه و پرورش او دانسته شده، احوالش نهفته نیست، کارهایش در پرده نبوده، هرگز پیش از بعثت خود کتابی نخوانده، با اهل کتاب آمیزشی نداشته، همیشه از آنان جدایی داشته، با هیچ‌کدام پیوست نکرده، به دنبال دانشمندی در نهان و عیان نرفته و از آغاز و

۱. رد باور مسیحیان درباره تثلیث (کراجکی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۰-۲۸۱)؛ استدلال عقلانی کراجکی برای شبه برهمنان هندو که تنها عقل را برای سعادت‌مندی بشر کافی می‌دانستند (همان: ۱/ ۲۶۸-۲۶۹) و پاسخ عقلانی او به یهودیانی که نسخ در شرع را انکار می‌کردند (همان: ۱/ ۲۷۰-۲۷۱)، از این موارد است.

انجام برای آن چاره‌جویی و پیگیری نداشته و دانسته شود که همه این اطلاعات را تنها از پروردگار گرفته نه از مردمان و راست‌گویی و دلیل نبوت او و اعجاز قرآن او ثابت شود» (همان: ۱/ ۲۰۶-۲۰۷).

کراچکی با این مقدمه، ابتدا اخبار مربوط به سفر پیامبر خدا(ص) را به شام و دیدارش با بحیرای راهب و اخبار مشابه آن (نک. به: ابن هشام، بی‌تا: ۱۸۰/۱-۱۸۳) را که مستمسک مسیحیان بوده است (سیروسی، ولوی، ۱۳۹۹: ۱۴۸-۱۵۱)، رد کرده و انگاره‌اثرپذیری ایشان را از یهود و نصاری و درس‌آموزی آن حضرت را نزد اهل کتاب نفی کرده است؛ سپس انگاره‌ فریبکاری حضرت محمد(ص) را به چالش کشیده و در این راستا به آیات ۴۴ و ۴۶ سورة قصص استناد کرده است. کراچکی این بحث را با اشاره به این نکته به پایان می‌رساند که اگر این خبر که در جانب غربی کوه طور به موسی فرمان نبوت داده شده است، در قرآن نبود، پیامبر(ص) نیز از آن آگاهی نداشت (کراچکی، بی‌تا: ۱/ ۲۰۸).

به این ترتیب کراچکی با احاطه بر تاریخ و اشتراکات کتب آسمانی، یکی از وجوه اعجازی کتاب آسمانی مسلمانان، یعنی روایت برخی جزئیات تاریخ پیامبران گذشته را در آن - به مانند تورات - در نظر مخاطب خود برجسته کرده است. با اشتراکاتی که در قرآن و اناجیل نیز وجود داشته است (اشاره به ابعادی از زندگی حضرت مسیح(ع)، نک. به: صدر، ۱۳۸۱) و با ایجاد انگاره «آنها هم مانند ما هستند» در ذهن مخاطب مسلمان، بر حقانیت قرآن و رسالت حضرت محمد(ص) تأکید می‌کند.

کراچکی در ذیل این عنوان از آیات و پیشگویی‌های قرآن درباره آینده، که در تاریخ به وقوع پیوستند، نیز بهره برده است. در این راستا او به آیات یکم تا پنجم سورة روم استناد کرده و پس از نقل

مستقیم آنها، مخاطبش را متوجه منظور خود از اشاره به این آیات کرده و آورده است: «خدا خبر داد از مغلوب شدن و غالب شدن روم در آینده محدود به زمان و چنان شد که خدای سبحان فرمود» (همان: ۱/ ۲۱۱). به این ترتیب او اعجاز بودن گزارش تاریخی قرآن را برجسته کرده است؛ امری که نتیجه‌اش در حافظه تاریخی مسلمانان و مسیحیان نقش بسته و یا برای آنها قابل پیگیری است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲/ ۷۵). شیوه نقلی همسو با شأن نزول این آیات در آثار تألیفی معاصران کراچکی است. واحدی نیشابوری (م. ۶۸) آورده است که خبر پیروزی رومیان بر فارسین در جنگ بدر به مسلمانان رسید و آنان را شاد کرد؛ این در حالی است که نزول این آیات و پیشگویی از وقوع این امر در قرآن و در مکه بود (۱۳۶۲ش: ۲/ ۴۳۶).

از نظر کراچکی، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱ سورة آل عمران نیز از پیشگویی‌های قرآن است که بر واقعه‌ای تاریخی اشارت دارد: «و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند، برای آنان چیزی بهتر از آن نبود. لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند. با نکوهش و یاهوسرایی شما را اندکی بیازارند و اگر به کارزار شما آیند، از جنگ خواهند گریخت و از این پس هیچ وقت منصور نخواهند بود». او مقصود این آیات را خبر دادن از عملکرد یهودیان در آینده و به صورت خاص در واقعه خیبر می‌داند؛ بنابراین این آیات را تاریخی و از مصادیق جنبه‌های اعجازی قرآن می‌شمارد. کراچکی باور خود را این‌گونه شرح می‌دهد که «اعجاز دیگرش اینکه پیشگویی‌هایی کرده از آنچه در آینده آمده است و درست درآمده و از راز دل‌ها و نهاد مردم به درستی خبر داد، چنانچه درباره یهود و خیبر فرمود» (کراچکی، بی‌تا: ۱/ ۲۰۹). به این ترتیب او در بحث از اعجاز قرآن به آیاتی توسل می‌جوید که از واقعه تاریخی مشهوری در دوره

سرانجام آنان و مشرکان فرمود: به‌زودی آن جماعت شکست خورده و به جنگ پشت کنند و همان که خدای سبحان فرمود دربارهٔ آنانکه اموال خود را صرف کنند تا راه خدا را ببندند و سپس افسوس آن را خورند و آنگاه مغلوب شوند و به‌زودی پیروزی برای مسلمانان رسد و چنان شد» (کراچکی، بی‌تا: ۱/ ۲۱۰).

به این ترتیب او با اشاره به خبر قرآن از آیندهٔ کفار در جنگ بدر در دورهٔ مکی (پیوند با تاریخ به وقوع پیوسته)، اعجاز قرآن را برجسته و به حقانیت نبوت پیامبر خدا (ص) تأکید کرده است.

کراچکی از اشارهٔ مستقیم قرآن به سرنوشت افراد معاصر با پیامبر (ص) نیز برای تثبیت مدعای خود یعنی اعجازبودن پیشگویی وقایع تاریخی در قرآن کمک گرفته است. او آیاتی را برای مخاطبان مثال آورده است که به سرنوشت ابولهب اشاره دارند و می‌نویسد: «دربارهٔ ابوالهب که هنوز زنده بود و انتظار می‌رفت مسلمان شود، فرمود: بریده باد دو دست ابی‌لهب و نابود باد و او کافر مرد و اسلام نیاورد»^۱ (سورهٔ مسد). او سپس به آیهٔ ۹۵ سورهٔ حجر اشاره می‌کند؛ آیه‌ای در سوره‌ای مکی، که مخاطبش رسول خدا (ص) است و ایشان را به محفوظماندن از شر استهزاکنندگان بشارت می‌دهد. کراچکی، ابولهب را از مصادیق این آیه می‌داند و با تمسک دوباره به سوره‌های مکی، که کافر مردن ابولهب در آنها پیشگویی شده بود، ابعاد اعجازی قرآن را در نظر مخاطبان برجسته می‌کند. حفظ پیامبر (ص) از آزارهای ابولهب نیز امری است که با مرگ او در ابتدای دورهٔ مدنی اتفاق می‌افتد (یعقوبی، بی‌تا: ۲/ ۴۶).

کراچکی در اثبات مدعای خود به این مقدار

حیات پیامبر (ص) خبر می‌دهد. غزوهٔ خیبر در سال هفتم هجرت اتفاق افتاد و به فتح یکایک قلعه‌های یهودیان منتهی شد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/ ۳۳۰-۳۳۱؛ طبری، بی‌تا: ۹/۳-۱۰). شایان ذکر است که واحدی نیشابوری شأن نزول متفاوتی برای این آیات آورده است (تفاخر یهودیان بر مسلمانان و آزاررساندن آنها به هم‌کیشان تازه مسلمانان) (۱۳۶۲ش: ۱/ ۱۳۱).

شاید بتوان گفت کراچکی با تأکید بر پیشگویی وقوع برخی وقایع در قرآن، سعی داشته است تا اثبات نبوت مسیح را نیز از طریق پیشگویی‌هایش به مخاطبان مسلمانش یادآوری کند، با این تفاوت که معمولاً زمان و مکانی برای معجزات او قید نشده است؛ اما در معجزهٔ پیامبر خدا (ص) یعنی قرآن، پیشگویی برای وقایعی است که در آینده به وقوع می‌پیوندند؛ بنابراین اگر این طریق اثبات حقانیت نبوت یک پیامبر است، برای محمد بن عبدالله پذیرفتنی‌تر است. به این ترتیب کراچکی انگارهٔ فریکاری نسبت داده شده به پیامبر خدا را از سوی مسیحیان با چالش جدی مواجه و انگارهٔ «آنها هم مانند ما هستند» را در ذهن مخاطب مسلمانش برجسته کرده است.

دستهٔ دوم آیاتی هستند که نویسنده برای اثبات باور خود یعنی اعجاز قرآن و حقانیت آن، اذهان مسلمانان را با وقایع تاریخی درون‌دینی پیوند می‌زند. وقایع مشهوری که مرتبط با دوران پس از هجرت پیامبر (ص) و از مصادیق پیشگویی‌های قرآن از وقوع رخدادی تاریخی است و در ذهن مسلمانان مخاطب او آشناست؛ برای نمونه او مضمون آیهٔ ۴۵ سورهٔ قمر را بر سرانجام کفار در جنگ بدر منطبق می‌داند؛ سوره‌ای که در مکه و پیش از هجرت پیامبر (ص) نازل شده است. او آورده است:

«و در داستان بدر و تشجیع مسلمانان و گزارش از

۱. کراچکی به زمان نزول این آیه اشاره نکرده است؛ اما واحدی نیشابوری آن را هنگام انذار عمومی مکیان توسط پیامبر می‌داند (۵۵۷-۵۵۸).

بسنده نمی‌کند و در ادامه این توضیح بیان می‌دارد که «همه آنان در آن روز [نزول آیات] زنده بودند و در میان قوم خود عزیز و محترم می‌زیستند. خدا همه را نابود کرد و شر آنها را کفایت کرد، چنانچه از حال آنها گزارش شده است» (کراچکی، بی‌تا: ۲۱۳/۱-۲۱۵). به این ترتیب او بار دیگر با اشاره به پیشگویی عاقبت ابولهب در قرآن- که به واسطه نزدیکی نسبی‌اش با پیامبر خدا(ص) و سرنوشتش نزد مسلمانان شناخته شده بوده، می‌کوشد تا نادرستی انگاره فریبکاری پیامبر(ص) و ساختگی بودن قرآن را با تأکید بر ابعاد اعجازی این کتاب برجسته کند.

این شیوه بهره‌گیری از آیات تاریخی برای دفاع از حقانیت قرآن (اثبات اعجاز آن در پیوند با وقوع پیشگویی‌های تاریخی)، در شرح کراچکی از آیه ۲۷ سوره احزاب نیز تکرار می‌شود. نکته عجیب آنکه، کراچکی پیشگویی این آیه را در پیوند با وقوع فتوح در عراق و فارس دانسته (همان: ۲/ ۲۱۰) و از این طریق بر اعجاز قرآن، وحیانی بودن آن و در نتیجه نبوت پیامبر خدا(ص) صحه گذاشته است؛ باوری که حاشیه‌رانی انگاره‌های اثرپذیری از یهود و نصارا و نسبت بیماری صرع به ایشان را به‌دنبال دارد. همان‌طور که با ابطال برساخته شدن قرآن توسط محمد بن عبدالله، انگاره‌های شهوت‌طلبی و ساخت قانون توسط پیامبر خدا نیز کم‌اثر می‌شود.

شایان ذکر است که کراچکی از وجهی دیگر نیز با استناد به تاریخ، اعجاز قرآن را اثبات کرده است. او عملکرد مشرکان مکه را در سخت‌گیری بر پیامبر خدا و پیروانش تا رقم خوردن مهاجرت آنها و نیز جنگ‌هایی، که با آن حضرت داشته‌اند و همگی در تاریخ مستند است، گواهی بر این امر می‌گیرد که آنان با وجود سخنوری و شهرت در شعر و خطابه، نتوانستند در مسابقه پیشنهادی قرآن قبول شوند و

سوره‌ای همانند آن بیاورند. او سخن خود را در این زمینه این‌گونه به پایان برده است که «و این درماندگی آنان معجزه‌ای است که دلیل صحت نبوت اوست» (کراچکی، بی‌تا: ۲۰۴/۱-۲۰۵).

۲- دفاع از حقانیت نبوت پیامبر(ص)

با در نظر داشتن این نکته که بیشتر آثار کراچکی به درخواست دیگران و یا در پاسخ به پرسش آنها نگاشته شده است (محدثی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۰) و با تأمل دقیق‌تر در فهرست آثار تألیفی این عالم امامی، توجه خاص او به مسائل مطرح‌شده درباره رسول خدا(ص) آشکار می‌شود؛ برای نمونه کتاب *المساله القیسرانیه* درباره ازدواج پیامبر(ص) با عایشه و *حفصه* بوده است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/ ۱۳۰). *معدن الجواهر و ریاضه النواظر*، با محوریت آداب و اخلاق پیامبر(ص) تألیف شده است (مقدمه حسینی بر *معدن الجواهر*، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ همان‌طور که این دغدغه از عنوان کتاب *الاصول فی مذهب آل الرسول* او آشکار است (همان: ۱۳۳). این جدای از آن دسته از آثار کراچکی همانند *کنزالفوائد* است که در آن به کرات و به فراخور نیاز، ابعاد مختلف زندگی حضرت محمد(ص) را بررسی کرده است و یا کتاب *خبر الغدیر* که برشی خاص از حیات آن حضرت را به تصویر کشیده است (نک. به: نجفیان رضوی، محدثی، ۱۳۹۹). امری که از نیاز مخاطب معاصر با کراچکی به دانستن بیشتر درباره ابعاد مختلف زندگی پیامبر خدا(ص) و دغدغه او برای شفاف‌سازی ابعاد مختلف زندگی پیامبر خدا(ص) به دلیل آمیختگی مسلمانان با اصحاب دیگر ادیان و مسائل و تردیدهایی متأثر بوده است که پیرامون نبوت حضرت محمد(ص) وجود داشته است.

با این مقدمه شاید بتوان گفت تمسک کراچکی

توجهی ویژه داشته است: قبل از نبوت با تأکید بر کودکی و بعد از نبوت با تأکید بر دوره مدنی.

در آثار کراچکی، مبحث اول نه مانند حضرت عیسی (ع) از تولد و زندگی مادرش مریم و چگونگی آبستن شدن او، بلکه از هنگام تولد پدرش عبدالله آغاز می‌شود. او در ذیل عنوان اول یعنی تولد پیامبر (ص)، ضمن روایتی مفصل، اهداف خود را دنبال می‌کند؛ روایتی که در آن تنها بر اطلاع کاهنان یهودی و نه علمای مسیحی از زاده شدن عبدالله تأکید می‌شود. اگرچه در روایت او یهودیان نیز به دنبال کشتن عبدالله برای خاموش کردن نور نبوت‌اند؛ اما در مقام آگاهی، بر مسیحیان برتری دارند (حاشیه‌رانی مسیحیت) (همان: ۱۹۲/۱)؛ بنابراین از همان ابتدا وجود تاریخی و قطعی عبدالله با معجزه، یعنی وجود نوری در پیشانی او - که برای همه حتی بیگانگان قابل رؤیت شده بود - در هم می‌آمیزد. پس از اشاره به چگونگی ازدواج آمنه با او، کراچکی بر زمان و مکان دقیق بارداری آمنه اشاره می‌کند: «آمنه به وی در نهم ماه ذیحجه و در شب عرفه و به قولی در روزهای تشریق در زمین منی کنار جمره وسطی، که منزل عبدالله بن عبدالمطلب بود، باردار شد» (همان: ۱/۱۹۳). در روایت او از این هنگام است که زندگی آمنه همانند مریم، در دو مقطع بارداری و وضع حمل، با معجزه در هم می‌آمیزد (همان جا. قس. ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷۸-۷۹). به این ترتیب کراچکی با گزینش و نقل این روایت آشنا با ذهن مسلمانان (مریم، آیات ۱۷-۲۶)، باز هم بر انگاره «آنها هم مانند ما هستند» تأکید می‌کند. ضمن آنکه با پیوند زدن این واقعه با تاریخی مشخص و جلب توجه مخاطب خود به این نکته که نبوت پیامبر خدا (ص) امری محتوم از هنگام هبوط حضرت آدم بوده است (نور حضرتش در پیشانی آدم می‌درخشید)، جایگاه پیامبر (ص) را در

به گزارش‌های تاریخی و پیوند زدن آنها به ابعاد اعجازی حیات تاریخی پیامبر خدا (ص)، امری هدفمند و نشئت‌گرفته از احساس نیاز او برای اثبات حقانیت نبوت آن حضرت در زمانه خویش بوده است. به این ترتیب ذکر معجزات حضرت محمد (ص) که ادامه سنت خداوندی در اثبات ادعای نبوت پیامبران خویش به مخاطبان هر دین جدید و اصحاب ادیان پیشین بوده است، باور مسلمانان را به حقانیت نبوت پیامبر (ص) در مقابل انگاره‌سازی‌های اهل کتاب در شام و مصر حفظ می‌کرده است.

کراچکی این هدف خود را در کتاب‌کنز، بیشتر در ذیل دو عنوان مستقل «در ذکر ولادت سید ما رسول خدا و بیان اندکی از فضلش» (کراچکی، بی‌تا: ۱۹۱-۱۹۵) و «در بیان برخی معجزه‌های رسول خدا و آیات خیره‌کننده آن حضرت» (همان: ۱/۱۹۶-۲۰۴) دنبال کرده است؛ معجزاتی که بیشتر آنها زمانمند و یا مکانمند و به این واسطه با تاریخ پیوستگی دارند. به نظر می‌رسد در پیوند دادن این معجزات با وقایع تاریخی، او باز هم نفی انگاره فریبکاری پیامبر خدا (ص) را در نظر داشته است. با این حال، گاه غلبه عقیده (وقوع معجزه) بر هدف (باورپذیر کردن وقوع معجزه در پیوند با تاریخ) و یا کوشش در جهت ارائه مثال‌های بیشتر و ایجاد انگاره «آنها هم مانند ما هستند»، موجب شده است تا کراچکی بروز یک معجزه را مسلم دانسته و با آوردن عباراتی کوتاه همانند «سخن گفتن گرگ و آن معروف است» (همان: ۱/۱۹۶)، به آن استناد کند؛ همان‌طور که مانند مثالی که در ادامه آمده است، گاه برای رسیدن به هدف خود به اخبار ناموثق نقل شده از کودکی پیامبر (ص) تمسک بسته و آن را با رخدادهای قطعی تاریخ آمیخته است. صرف‌نظر از این موارد، او به دو برهه از زندگی پیامبر (ص)

نزد مخاطبان مسلمانان در مصر و شام برجسته می‌کند و آنها را در هویت‌یابی مجدد در مقابل انگاره‌سازی‌های مسیحیان یاری می‌دهد (انگاره «ما بهتر از آنها هستیم»). کراچکی در همین راستا معجزات فراوان نقل شده درباره تولد حضرت محمد(ص) را همانند «خاموش شدن آتشکده‌های گبران و لرزیدن سخت شاهان» (کراچکی، بی‌تا: ۱/ ۱۹۳؛ قس. ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۱۱۹، طبری، بی‌تا: ۱۵۵/۲-۱۵۷) با تاریخ دقیق پیوند می‌زند و مکان و زمان تولد پیامبر(ص) را ذکر می‌کند: «تولدش روز جمعه در سپیده‌دم هفدهم ربیع‌الاول بوده در عام الفیل، در شهر مکه در شعب ابیطالب» (کراچکی، همان: ۱/ ۱۹۴ قس. یعقوبی، بی‌تا: ۱/ ۷؛ طبری، همان جا).

او در این پیوند زدن ابعاد اعجازی زندگی پیامبر(ص) را با گزارش‌های زمانمند و مکانمند (تاریخ) برای مخاطبان مسلمانان، شفافیت حیات تاریخی ایشان، در مقایسه با پیامبران پیشین برجسته کرده است (انگاره «ما بهتر از آنها هستیم»). با همین رویکرد، کراچکی در متنی غیرتاریخی، زمان و مکان وفات عبدالله، پدر آن حضرت و همچنین درگذشت مادر ایشان را در کودکی گنجانده است (کراچکی، همان: ۱/ ۱۹۴)؛ همان‌طور که به نسب حلیمه، دایه رسول خدا(ص) اشاره کرده است (همان‌جا).

کراچکی در تثبیت باور مسجل‌بودن نبوت حضرت محمد(ص) و حقانیت آن (نفی انگاره‌ها)، تنها به نقل روایت روشن‌بودن این مهم نزد پیشینیان بسنده نمی‌کند، بلکه با بهره‌گیری از تاریخ و گزینش برخی دیگر از اتفاقات دوران کودکی زندگانی پیامبر خدا(ص) و یا هم‌زمان با آن، بر عیان‌بودن این امر پای می‌فشارد؛ برای نمونه کراچکی از میان تمام روایات موجود در منابع از کودکی پیامبر(ص)،

روایت ابن عباس از رفتن بزرگان قریش به نزد سیف بن ذی یزن، برای تبریک پیروزی او بر حبشیان مسیحی در یک‌سالگی پیامبر خدا(ص) را گزینش و نقل کرده است (حاشیه‌رانی مسیحیت). او به تکریم خاص عبدالمطلب توسط سیف در میان بزرگان قریشی به‌واسطه اطلاع از نسب او اشاره کرده است؛ سپس آگاهی سیف از تولد حضرت محمد را بیان کرده و توصیه‌اش به عبدالمطلب را برای مواظبت و حمایت از پیامبر خدا(ص) برجسته کرده است (همان: ۱/ ۲۲۷-۲۲۸؛ قس. ابن هشام، بی‌تا: ۱/ ۱۷۹) کوشش کراچکی بر تثبیت باور آگاهی بر رسالت پیامبر خدا(ص) را می‌توان در شرح او از نگهداری نیکوی عبدالمطلب از حضرت محمد(ص)، آگاه‌کردن ابوطالب به آینده آن حضرت، توصیه به او برای نگهداری از ایشان در زمان مرگ و خبر کاهنان از آینده روشن محمد نیز دنبال کرد. همان روایت مفصل یکپارچه که تا هنگام نبوت پیامبر ادامه می‌یابد (کراچکی، همان: ۱/ ۱۹۵). به این ترتیب گزارش پرتکرار مسیحیان از بشارت بحیرا یا سرجیوس مسیحی به ابوطالب درباره نبوت رسول خدا(ص) عامدانه حذف شده و خبر آگاهی سرپرستان پیامبر(ص) از این امر جای آن را گرفته است؛ افرادی که وجود آنها در تاریخ امری مسلم و زمانمند است. ضمن آنکه اطلاع سیف از نبوت آن حضرت - براساس کتب و دانشی که آشکار نمی‌کنند (همان: ۱/ ۲۲۹) - یادآوری‌کننده بشارت ظهور پیامبر(ص) در دیگر ادیان است.

تمرکز کراچکی در نقل روایات تاریخی در مقطع دوم زندگی حضرت محمد(ص)، ذیل عنوان «معجزات پیامبر» بر دوره مدنی است. او تنها به سه روایت از معجزات ایشان در دوره مکی اشاره کرده است که عنصر زمان را در خود مستتر دارند. به نظر می‌رسد او در گزینش و نقل خبرگرفتن پول اعرابی از

و به مانند آن را در روز جنگ حنین انجام داد[...]. و همهٔ مشرکان گریزان شدند» (همان: ۱۹۶/۱). همان‌طور که معجزهٔ آن حضرت در جریان حفر خندق پیش از غزوهٔ احزاب را به مخاطبان یادآور شده است: «در جنگ خندق، آنگاه که مردم در کار کندن خندق بودند، یک رگهٔ سخت و سنگی جلو کارشان درآمد. با تیشه‌های خود بر آن نواختند و تیشه‌ها شکستند. به رسول خدا گزارش دادند. آن حضرت آمد و آبی خواست و بر آن ریخت و یک تپه ریگ نرم شد» (همان: ۱۹۸/۱).

کراچکی همین شیوه را در بازنمایی برشی از صلح حدیبیه دنبال کرده است. او در کتاب کنز آورده است که چون پیامبر خدا(ص) و همراهانشان به درهٔ حدیبیه رسیدند، چاه آب نداشت و مردم از بی‌آبی به ایشان شکایت کردند. آن حضرت تیری از تیردان خود خارج کردند و به دست براء بن عازب دادند. او داخل چاه رفت، آن تیر را در کف چاه فرو کرد و آب از چشمه‌های چاه جوشید (همان: ۱۹۷/۱). آخرین نمونه از گزارش‌های تاریخی گزینش‌شدهٔ کراچکی برای اثبات نبوت حضرت محمد(ص)، مربوط به جنگ تبوک است. او آورده است که سپاهیان رسول خدا در این جنگ دچار کمبود آذوقه شدند. پیامبر(ص) آنچه را از آذوقه مانده بود، جمع کرد و دعا فرمود و آن‌قدر آذوقه‌ها زیاد شود که از سفره‌ها بیرون بزند (همان‌جا).

با مرور روایات فوق به نظر می‌رسد کراچکی در نقل معجزات پیامبر خدا(ص) پس از هجرت، هوشمندانه به سراغ آن بخش از زندگی ایشان رفته است که در حافظهٔ تاریخی مسلمانان مخاطبش آشنا بوده است؛ به جز صلح حدیبیه که نقطهٔ عطفی در تاریخ و گسترش اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان بوده است؛ مثال او از غزوات پیامبر(ص) است. بُعدی از حیات تاریخی پیامبر(ص) که به واسطهٔ فتوح بیشتر

ابوجهل توسط پیامبر(ص) (همان: ۱۹۸/۱-۱۹۹)، ناتوانی ابوجهل در کوبیدن سنگ بر سر رسول خدا(ص) در هنگام نماز (همان: ۱۹۹/۱)، جذابیت شنیدن قرآن‌خوانی آن حضرت برای مشرکان (همان: ۲۰۲/۱)، حاشیه‌رانی سه انگارهٔ توهم خودبزرگ‌بینی، خودشیفتگی و فریبکاری مورد تأکید مسیحیان را دربارهٔ پیامبر(ص) و برجسته‌سازی حقانیت نبوت ایشان را مدنظر داشته است.

گزارش‌های تاریخی او در دورهٔ مدنی - که خود به دو دسته تقسیم‌شدنی است - نیز در پیوند با یکی از معجزات پیامبر(ص) است. در دستهٔ اول، او در کنار روایت به شیرآمدن گوسفندی که رسول خدا(ص) در راه هجرت به مدینه آن را دوشید (همان: ۱۹۶/۱)، به آگاهی آن حضرت از قصد رفتن عمرو بن وهب به مدینه (ترور) (همان: ۲۰۱/۱) و استجاب دعا باران ایشان در این شهر (همان: ۲۰۲/۱) نیز اشاره کرده است. این روایات تاریخی که همانند روایات قبل، عنصر زمان را در خود مستتر دارند، ادعا و انگاره‌سازی مسیحیان را دربارهٔ توهم خودبزرگ‌بینی، خودشیفتگی، فریبکاری و حتی خشونت‌طلبی آن حضرت به چالش می‌کشند و بر وقوع تاریخی معجزات پیامبر(ص) تأکید می‌کنند؛ امری که در سطحی عمیق‌تر شاید بر تاریخی‌نبودن گزارش‌های موجود دربارهٔ نبوت حضرت عیسی و معجزات او اشاره داشته باشد.

در دستهٔ دوم، کراچکی گزارش‌های به جا مانده از اقوال و افعال اعجاز‌گونهٔ پیامبر خدا(ص) را در غزوات ایشان (واقعهٔ تاریخی مشهور در زمانی خاص) برجسته کرده است؛ برای نمونه او به عملکرد مشابه پیامبر خدا(ص) در جنگ بدر و حنین برای عقب‌راندن دشمنان اشاره کرده و آورده است: «روز جنگ بدر، مثنی ریگ بر چهرهٔ دشمنان پراند و چشمشان چنان آسیب دید که رو به گریز نهادند[...]

برجسته شد. معجزات گزینش شده از برجسته‌ترین نبردهای حضرت محمد(ص)، برای رفع طبیعی‌ترین حوائج همانند آب و غذا بوده است؛ امری که با برخی از درخواست‌های امم پیشین از رسولانشان برای معجزه همانندی‌هایی داشته (بقره، آیه ۶۰-۶۱) و به واسطه پیوند با تاریخ پذیرفتنی‌تر بوده است؛ از این رو مرور این روایات نه تنها در حاشیه‌رانی انگاره‌سازی‌های مسیحیان که در ایجاد انگاره «آنها هم مانند ما هستند» (در نوع معجزات) و نیز انگاره «ما بهتر از آنها هستیم» (پیوند معجزات با تاریخ به وقوع پیوسته) برای مخاطبان مسلمان مؤثر بوده است.

کراچکی در اثبات نبوت حضرت محمد(ص) تنها به نقل معجزات عملی ایشان اکتفا نکرده است. پیشگویی رسول خدا از وقایع آینده، که یکی از شایع‌ترین روش‌ها در اثبات فضایل و جایگاه آن حضرت در شاخه‌های مختلف تاریخ‌نگاری اسلامی بوده است، نیز دیگر مستمسک این اندیشمند امامی در نیل به مقصود بوده است. با این حال از میان روایات فراوانی که در این زمینه وجود دارند، او روایتی مفصل از گفت‌وگوی پیامبر خدا(ص) را با عوف بن مالک در غزوه تبوک برگزیده است؛ این آخرین غزوه رسول خدا بود که با هدف ایجاد امنیت در مرزهای مشترک با رومیان/مسیحیان انجام شد (واقعی، ۱۴۰۹: ۳/ ۹۹۰؛ ابن هشام، بی‌تا: ۲/ ۵۱۵-۵۱۶). در این گفت‌وگوی دو نفره، آن حضرت به شش رخداد قبل از قیامت اشاره کرده‌اند که نخستین آنها رحلت ایشان و سپس فتح بیت‌المقدس است. آغاز روایت با خبری محتوم در حیات بشری و ادامه آن با اشاره به فتح بزرگ مسلمانان در دوره خلیفه دوم است که آشنا با ذهن هر مسلمان و اهل کتابی در شامات بوده و تأییدی دیگر بر حیات تاریخی آن حضرت، اثبات نبوت ایشان و کم‌اثرسازی انگاره‌هاست.

نکته درخور توجه در این میان، توجه بیشتر مورخان روایت به بشارت فتح حیره و نه بیت‌المقدس از سوی پیامبر(ص) است (بلاذری، ۱۹۹۸: ۲۳۹-۲۴۲؛ طبری، بی‌تا: ۳/ ۳۶۵-۳۶۷)؛ خبری که کراچکی متناسب با اهدافش آن را جایگزین کرده است.

در ادامه این روایت نیز به وعده ظاهرشدن مال فراوان در میان مسلمانان اشاره شده و از نتایج فتوح مسلمانان در مناطق مختلف همچون شام بوده است؛ امری عیان در تاریخ اسلام که هم‌زیستی مسلمانان و اهل کتاب را در منطقه شام در دوره حیات کراچکی سبب شده است.

روایت با خبر صلح رومیان با مسلمانان پایان یافته است؛ صلحی که پس از جمع‌شدن هشتاد لشکر از مسلمانان برای جنگ با رومیان رخ می‌دهد (کراچکی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۰). اگرچه مصداق کاملاً بارزی برای مورد اخیر در تاریخ وجود ندارد، به نظر می‌رسد ابتدای شفاف روایت، نه تنها احتمال پذیرش رخ‌دادن انتهای مبهم آن را نیز برای مخاطبان فراهم می‌آورده است، در صورت تطابق آن با زمان حال و امکان پایان درگیری‌ها در منطقه - پس از انسجام مسلمانان - آرامش‌بخش نیز بوده است. ضمن آنکه در گزینش و نقل هوشمندانه این روایت، علاوه بر اثبات نبوت حضرت محمد(ص) با خبر از تاریخ به وقوع پیوسته، گذشته پر افتخار مسلمانان در رویایی با رومیان/ اهل کتاب و چیرگی بر آنها، به خوانندگان کتاب یادآوری شده و رسیدن به صلح در پرتو اتحاد (سیاسی/ اعتقادی) به آنان بشارت داده شده است.

نتیجه‌گیری

حیات علمی اندیشمندان مسلمان با دغدغه‌های جاری در زمان و مکان زیست آنها پیوندی نزدیک دارد. کراچکی همانند دیگر متکلمان معاصرش و به

ذهن مخاطبان مسلمان توجه داشته است. در این روش، پذیرش این معجزات یا انگاره‌ها، با پذیرش حقانیت پیامبر خدا(ص) و قرآن همراه بوده و در نهایت تثبیت عقیده حقانیت دین اسلام را در نظر مخاطبان مسلمان به دنبال داشته است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آقابزرگ تهرانی، محمدحسین (۱۴۳۰ق)، *طبقات اعلام الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

(۱۴۰۸ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

ابن سعد زهری، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۳۳ق)، *معالم العلماء*، تحقیق سید محمد رضا جلالی حسینی، کربلا: مکتبه دار علوم القرآن.

ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، دمشق: دار ابن کثیر.

ابن قلانسسی، حمزه بن اسد (۱۴۰۳ق)، *تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زکار، دمشق: دار حسان.

ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق ابراهیم آبیاری، مصطفی سقا، عبدالحفیظ شبلی، بیروت: دار المعرفه.

امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

ایروانی، محمود، باقریان، فاطمه (۱۳۸۳)، *شناخت اجتماعی (روان‌شناسی اجتماعی)*، تهران: ساوالان.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۸)، *فتوح البلدان*،

مدد تاریخ، از عقیده خود یعنی حقانیت دین اسلام دفاع کرده است. برای این منظور او کوشیده است تا به اثبات حقانیت نبوت پیامبر خدا(ص) و معجزه بودن کتاب آسمانی او (حقانیت قرآن) پردازد. تمرکز کراچکی بر این موضوع را باید در پیوند با بافت زمانه او، یعنی انکار نبوت آن حضرت و معجزه بودن قرآن، با انگاره‌سازی، به ویژه انگاره فریبکاری (تأکید بر ساختگی بودن معجزات پیامبر خدا(ص)) در سنت مکتوب مسیحیان فهمید؛ امری که در نظر داشتن ارتباط همیشگی متن و بافت، ما را به سوی آن رهنمون می‌کند. علاوه بر آن، وجود متونی از مسیحیان شرق مدیترانه - در دوره قبل و بعد از حیات کراچکی - که همین شیوه انگاره‌سازی در آنها دنبال شده است، احتمال حضور جریانی حداقلی را دو چندان می‌کند که عهده‌دار تداوم این امر در زمانه کراچکی بوده است؛ جریانی که با اوج‌گیری توجهات به جایگاه بیت المقدس در عقاید مسیحیان، در آن دوره در حاشیه قرار گرفته بود.

روش کراچکی در دفاع از حقانیت اسلام، پیوند زدن وقایع تاریخی با جنبه‌های اعجازی کتاب خدا (خبر از آینده) و زندگی پیامبر(ص) بوده است (پیوند تاریخ و عقیده). در این راستا او گاه به گزینش و نقل معجزات مشابه با مسیح برای پیامبر خدا(ص) و یا خبر ایشان از آینده پرداخته است که با وقایع خاص تاریخی پیوند داشته‌اند. همان‌طور که معجزات آمیخته با گزارش‌های شفاف از حیات تاریخی حضرت محمد(ص) (دارای عنصر زمان و مکان) را نقل کرده است؛ روشی که حاشیه‌رانی و نفی انگاره‌های مختلف ایجادشده درباره رسول خدا(ص)، به ویژه فریبکاری را مدنظر داشته است و بر ایجاد دو انگاره «آنها هم مانند ما هستند» (اشتراک معجزات پیامبران) و «ما بهتر از آنها هستیم» (پیوند معجزات و پیشگویی‌ها با تاریخ به وقوع پیوسته)، در

بیروت: دار و مکتبه الهلال.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱ش)، *دلائل النبوه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی.

پاکتچی، احمد (۱۳۹۱)، «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، دوره ۱۸، ش ۵۲، ص ۱۲۵-۱۶۶.

توکلی بینا، میثم (۱۳۹۶ش)، «مفهوم و ادله آغازبندی جهان از دیدگاه شیخ مفید، سید مرتضی و کراچکی»، *تحقیقات کلامی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۲۴-۷.

دادفر، سجاد، مهدی عزتی، حسین علی بیگی (بهار ۱۴۰۰)، «بررسی منازعات و تعاملات خلافت فاطمیان مصر با دولت بیزانس در حوزه شام (قرون چهارم و پنجم هجری قمری)»، *مطالعات تاریخی جنگ*، دوره ۵، شماره ۱، ص ۶۹-۹۴.

ده جستار در جنگ‌های صلیبی: پژوهشی از انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین (۱۳۹۳)، ترجمه سمیه رضایی، مریم صالحی، تهران: علم.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *العبر فی خبر من غیر*، بیروت: دار الكتاب العلمیه.

(۱۴۲۷ق)، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره: دارالحدیث.

زارع‌پور، محسن (۱۳۹۲ش)، «آراء کلامی ابوالفتح کراچکی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمود موسوی، دانشگاه قرآن و حدیث قم.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹)، *معناکاوی به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: علم.

سیروس‌سی، راضیه، علی محمد ولوی (زمستان ۱۳۹۷)، «اولین پنداره‌های عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر اسلام (ص)»، *تاریخ اسلام و*

ایران، سال ۲۸، شماره ۴۰، صص ۹-۳۱.

(تابستان ۱۳۹۹)، «انگاره‌های عالمان مسیحی از ویژگی اجتماعی پیامبر اسلام (ص) از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۴۱-۱۷۵.

صدر، حسن (۱۳۷۵ش)، *تأسیس الشیعه*، بی‌جا: اعلمی.

صدر، سیدموسی (۱۳۸۱ش)، «قرآن و عهدین، نقاط همسو و غیرهمسو»، پژوهش‌های قرآنی، *ویژنامه قرآن و ادیان و فرهنگ‌ها*، شماره ۳، (پرتال علوم انسانی، بدون صفحه).

صوری، ولیم (۱۹۹۱)، *الحروب الصلیبیه*، ترجمه حسن حبشی، قاهره: الهیئه المصریه، العالم الکتاب.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی.

طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ امم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی‌نا.

عاملی، سعیدرضا، منصوره حجاری (۱۳۹۷)، «مطالعه انگاره‌های ذهنی شکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران: انگاره‌های شخصی انجمن اسلامی و خویشتن بسیج دانشجویی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۳۰.

عطیه، عزیز سوریال (۲۰۰۵)، *تاریخ المسیحیه الشرقیه*، ترجمه اسحاق عبید، بی‌جا: المجلس الاعلی للثقافه.

قمی، عباس (۱۴۲۹ق)، *الکنی و اللقب*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کاردینی، فرانکو (۱۳۹۳)، *تاریخ روابط اسلام و اروپا (تاریخ سوءتفاهمات و پیش‌داوری‌ها)*، ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی، تهران: علم.

کحاله، عمررضا (بی‌تا)، *معجم المؤلفین*، بیروت: مکتبه المثنی - دار احیاء التراث العربی.

- کراجکی، محمدبن علی (بی‌تا)، *کنزالفوائد*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: فردوسی.
- (۱۴۰۵ق)، *کنزالفوائد*، تصحیح عبدالله نعمه، بیروت: دارالأضواء.
- (۱۳۸۸ش)، *معدن الجواهر و ریاضه الخواطر*، ترجمه شیخ عباس قمی، تصحیح محمد حسینی نیشابوری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- (۱۳۸۳ش)، *التفضیل و خیر الغدیر*، ترجمه احسان مقدس، تهران: نیلوبرگ.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لپیدوس، آیراماروین (۱۳۷۶ش)، *تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، تحقیق سید ابراهیم میانجی، محمدباقر بهبودی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- محدثی، محمد، نجفیان رضوی، لیلما، عزیزیان، مریم (۱۳۹۹ش)، «بررسی حیات علمی کراجکی با تأکید بر نقد دیدگاه‌های موجود درباره شاگردی وی نزد زعمای مکتب بغداد»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- محدثی، محمد (۱۳۹۹ش)، «کاریست تاریخ در آثار ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی لیلما نجفیان رضوی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مقریزی، احمدبن علی (۱۴۱۶)، *اتعاظ الحنفیة باخبار الائمة الفاطمیین الخلفا*، قاهره: وزارة الوقاف.
- مقانی، عبدالله (بی‌تا)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- منتجب‌الدین، علی بن بابویه رازی (۱۳۶۶ش)، *الفهرست*، تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- مولانا، حمید (۱۳۷۵)، «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، ترجمه غلامرضا تاجیک، *رسانه*، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۰-۱۷.
- مونس، حسین (۱۳۹۰ش)، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مهاجر، جعفر (بی‌تا)، *الکراجکی*، بی‌جا: مؤسسه تراث الشیعه.
- نجفیان رضوی، لیلما، محدثی، محمد «رساله خبر الغدیر: نسخه‌ای ناشناخته از علمای امامی شام در اثبات اعلام جانشینی حضرت علی (ع) در واقعه غدیر (مصدق حکمران شایسته)»، دومین همایش بین‌المللی غدیر و حکمرانی شایسته، دانشگاه مازندران، آبان ۱۳۹۹، صص ۴۰۷-۴۲۱.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی (۱۳۶۲ش)، *شأن نزول آیات*، بی‌جا: بنیاد علوم اسلامی.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹)، *المغازی*، تحقیق مارزدن جونز، بیروت: الاعملى للمطبوعات.
- یافعی، عبدالله بن اسعد (۱۴۱۷ق)، *مراه الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان*، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.